

حاضر به کمک ایشان نشدند، الان روسیاه هستند و افسوس می‌خورند که ای کاش کمک یا حداقل در رسانه‌هایشان تأییدش کرده بودند.

• شهید آیت‌الله رئیسی با ایجاد «شبکه دستیاران مردمی» چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

شهید رئیسی در مقام عمل متوقف به احزاب نماند و به سراغ مردم رفت. در این راستا «شبکه دستیاران مردمی» دولت را ایجاد کرد. این اقدام بسیار جدیدی در دولت بود که بعد از چهل و اندی سال از پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. ایشان معتقد بود هر استانداری باید یک دستیار مردمی داشته باشد که به او گوشزد کند کارها و تصمیمی‌گیری‌ها را باید با مشارکت مردم انجام بدهی و نظارت مردمی را بر امور افزایش بدهی. در فرمایشات مقام معظم رهبری مردمی‌سازی سه عنصر دارد: ۱. دخالت مردم در تصمیم‌گیری که در این بخش منظور از مردم نخبگان است. چون غالباً ممکن است عموم مردم نتوانند در تصمیم‌گیری‌ها نظر بدهند. ۲. نظارت مردم ۳. اقدام مردم که شامل عموم جامعه است.

• چگونه شهید جمهور توانست با تمرکز بر مردم و تشکیل دولت بدون باندهای سیاسی، با تبعیت از ولایت فقیه، سیاست‌ورزی حکیمانه‌ای را به نمایش بگذارد؟

شهید رئیسی در سیاست‌ورزی خود بیش از احزاب به مردم بها دادند. نه از زخم زبان‌های احزاب خسته شدند، نه برای دلخوشی آنها کاری انجام دادند و نه چندان منتظر کمکشان شدند. شاید کسی باور نکند، ولی ایشان دولتشان را بدون هیچ نوع باند سیاسی‌ای تشکیل داد. حتی بسیاری از حزب‌اللهی‌ها از ایشان انتقاد کردند که چرا همه اعضای دولت قبل را عوض نمی‌کنید؟ ولی ایشان مخالف این نظر بود. برای ایشان مهم این بود که آن فرد چقدر اهل کار است. به همین دلیل عده زیادی در بدنه دولت حضور داشتند که متعلق به حزبی خاص بودند، ولی از کار برکنار نشدند. البته این شیوه سیاست‌ورزی هزینه دارد. ممکن است همین افراد به دلیل همان تعلقات حزبی و جناحی در دولت ایشان خوب کار نکنند و یا مشورت‌های مغرضانه بدهند، ولی به هر حال این دیدگاه بزرگوارانه بسیار ارزشمند است.

• نکته دیگری در این مورد دارید؟

نکته دیگر ولایت‌مداری آقای رئیسی بود که برخاسته از اعتقاد و حکمت سیاسی‌شان بود. به‌زعم بنده حتی اگر ایشان یک شیعه معتقد به ولایت هم نبود و شخصاً آزادی به امر ولایت نداشت، باز هم حکمت سیاسی‌شان اقتضا می‌کرد که از ولایت فقیه تبعیت کند. زیرا ما ولایت را یک امر عقلانی می‌دانیم. برخی تصور می‌کنند این مسئله صرفاً یک مسئله اعتقادی است، در حالی که یک امر دارای تحلیل عقلی انسان برای اداره امور جامعه است.

برخی علاقه دارند شهید رئیسی را صرفاً فردی مخلص و اخلاق‌مدار معرفی کنند و از حکمت سیاسی ایشان غفلت می‌کنند. یکی از وجوه حکمت سیاسی ایشان این بود که متوجه شد درد این مملکت بوروکراسی است. به‌خوبی فهمید که بوروکراسی اگر در آن تحولی ایجاد نشود، مملکت را نابود خواهد کرد؛ بوروکراسی منحنی که کشور ما را به لحاظ سهولت در کسب و کار در رده‌های آخر کشورهای دنیا قرار داده است.

• در دولت ایشان با اجرای قانون تسهیل در صدور مجوزهای کسب و کار، تحول چشمگیری ایجاد شد. این قانون به‌طور خاص برای مقابله با بوروکراسی منحنی که کشور را از نظر سهولت در کسب و کار به رده‌های پایین در سطح جهانی کشانده بود، به تصویب رسید.

این قانون و نیز پیگیری‌های خود ایشان و حضورشان در استان‌ها و استانداری‌ها همگی در راستای این

تغییر و تحول است. زیرا شما به هر میزان افراد شایسته هم که منصوب کنی، باز هم خودت باید پیگیر باشی. به همین دلیل بود که ایشان می‌گفتند مهم‌ترین عامل در به سرانجام رسیدن امور، پیگیری آنهاست. ایشان به جنگ بوروکراسی آمدند و اگر مدیریت‌شان ادامه پیدا می‌کرد، شاهد تحول عظیمی در این زمینه بودیم.

فراموش نکنیم که ایشان قبل از اینکه رئیس‌جمهور باشد، یک حقوقدان بود و از جایی مثل قوه قضاییه و بازرسی کل کشور به عرصه اجرایی کشور آمده و در آنجا مشاهده کرده بود که برخی از این قوانین دست و پاگیر و مضر هستند. برخی به ایشان می‌گفتند از تجربیات‌تان در بازرسی کل کشور استفاده کنید و بگویید که راه را چطور باید رفت. البته ایشان در مقطعی یک نمایشگاهی هم زده بودند و راه برون‌رفت از مشکلات را برای هر یک از وزارتخانه‌ها ترسیم کرده بودند که مسئولین دولتی می‌آمدند بازدید می‌کردند. رئیس‌جمهور وقت نیز از کار ایشان تقدیر کرده بود و به مسئولین دولت خود سفارش کرده بود که به توصیه‌های کارشناسی ایشان توجه کنند.

• چگونه شهید آیت‌الله رئیسی با تشخیص دقیق اشکال اصلی کشور و مبارزه با بوروکراسی، درصدد کاهش موانع اداری و ایجاد رونق در تولید و کسب و کار برآمدند؟ همچنین، چه تأثیری کاهش بوروکراسی می‌تواند بر کاهش نزاع‌های سیاسی و بهبود فضای اجرایی کشور داشته باشد؟

ایشان در سیاست‌ورزی به‌خوبی متوجه اشکال اصلی کشور شده بودند و به جنگ آن رفتند.

جنگی که متأسفانه ناتمام باقی ماند. سیاست‌ورزی حکیمانه این نیست که انسان بیاید گفتاردرمانی کند و از اهرم‌های غلط برای حل مسائل کشور استفاده کند. علت گره‌هایی که در انجام کارها پیش می‌آید ساختار اداری ماست.

به نظر من کاش ایشان می‌ماند و مدتی هم به مجلس می‌رفت. امیدوارم این روحیه و عزمی که ایشان و برخی از همکاران ایشان در برداشتن موانع به منظور ایجاد رونق در تولید و کسب و کار داشتند، نمایندگان مجلس جدید هم دنبال کنند و بوروکراسی را به‌عنوان یک مانع جدید از سر راه کشور بردارند.

اتفاق مهمی که با کاهش بوروکراسی خواهد افتاد این است که سیاست‌بازی و بسیاری از نزاع‌های سیاسی از بین می‌رود. زیرا دعوای سیاسی بر سر پست و مقام غالباً برای دستیابی به امضای طلایی و عامل به وجود آورنده آن همین بوروکراسی است. برخی تصور می‌کنند مشکلات کشور صرفاً با حضور یک فرد شایسته حل خواهد شد، در حالی که این طور نیست، زیرا به‌محض ورود به عرصه اجرایی، همین بوروکراسی دست و پای او را خواهد بست و اجازه کار به او نخواهد داد.

• چگونه اصلاح بوروکراسی و کاهش کثرت قوانین می‌تواند به کاهش نقش مخرب احزاب و رسانه‌های سیاسی در مدیریت کشور منجر شود و زمینه را برای نقش‌آفرینی بیشتر متخصصان و دانشمندان فراهم کند؟ همچنین، چه تأثیری این اصلاحات بر بهبود فضای رسانه‌ای و حل مشکلات کشور خواهد داشت؟

قوانین دست و پاگیر

فراموش نکنیم که ایشان قبل از اینکه رئیس‌جمهور باشد، یک حقوقدان بود و از جایی مثل قوه قضاییه و بازرسی کل کشور به عرصه اجرایی کشور آمده و در آنجا مشاهده کرده بود که برخی از این قوانین دست و پاگیر و مضر هستند



رئیس عزیز
ویژه‌نامه چهلمین روز
عروج شهدای خدمت